



برای اوسمار ویرا که میراثش تنها یک جام فلزی نبود
مرسی که شبیه
دیگران نشدی

آمریکا از تشدید درگیری‌ها و جنگ تمام عیار میان اسرائیل و مقاومت لبنان واهمه دارد
حزب‌الله آماده توفان
پژوهشکنده اسرائیلی: در صورت آغاز جنگ تمام عیار حزب‌الله روزانه ۱۰۰۰ موشک شلیک خواهد کرد



فرمول وحدت

در فرآیند اجماع چه شاخص‌هایی را برای انتخاب کاندیدای نهایی جبهه انقلاب باید در نظر گرفت

- میزان آرا
- انتقال حداکثری سبدهای رأی
- عدم زمینه‌سازی برای ایجاد دوقطبی‌های کاذب

تصویری از مناظره‌های کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۳

تیتراهای امروز

بداخلاقی‌های انتخاباتی در تقابل با اندیشه و رفتار رئیس‌جمهور شهید است

تخریبگران علیه میراث شهید رئیسی

■ بازخوانی مواضع اخلاقی شهید رئیسی در جریان انتخابات دوره‌های دوازدهم و سیزدهم ریاست جمهوری

مروری بر مواضع اقتصادی نامزدهای دوره چهاردهم انتخابات ریاست جمهوری

عیار اقتصادی

رویتز اعلام کرد ایران در پاسخ به قطعنامه شورای حکام ۲ آتشبار جدید سانتر فیوژر در فردو نصب کرد

پاسخ هسته‌ای به قطعنامه سیاسی

جزئیات جدید از حمله پلیس فرانسه به مقر مناقصین

کشف اسناد نفاق

تخریب جاده کندوان و مقفود شدن ۳ شهروند در پی وقوع سیل در چالوس

خاغلگیری و افسیدن بهاری

دیدگاه

شکست جوان برادعی الیزه

حنیف غفاری: نتایج انتخابات پارلمانی اروپا، بیش از هر سیاستمداری امانوئل مکران، رئیس‌جمهور فرانسه را شوکه کرد. کسب ۱۵ درصد از آرا توسط حزب متبوع مکران در مقابل اقبال ۳۲ درصدی به جبهه ملی فرانسه (جریان ملی‌گرای افراطی)، نقطه آشکار ساز افول و بلکه سقوط رئیس‌جمهور فرانسه از مسند قدرت است. مکران که در گذشته‌های نه‌چندان دور سودای تبدیل شدن به رهبر اصلی اتحادیه اروپایی و منطقه یورو را در سر می‌پروراند، اکنون ناچار شده فرمان انحلال پارلمان را جهت برگزاری انتخابات سراسری جدید در کشور صادر کند. این وضعیت در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۲ نیز قابل پیش‌بینی بود. آن زمان، مکران توانست به لطف حمایت جریان چپ افراطی به رهبری مائوشون و حمایت هر ۲ حزب سنتی جمهوری خواه و سوسیالیست فرانسه بر رقیب سرسخت خود مارین لوپن غلبه کند. رسانه‌های اصلی اروپا در جمله دوچه‌پوله و یورونیوز، نمی‌توانند نگرانی خود را بابت تحولاتی که پس از شکست حزب مکران در انتخابات پارلمانی اروپا به وقوع پیوسته کتمان کنند! بسیاری از تحلیلگران مسائل سیاسی - انتخاباتی در فرانسه، از همان زمان تأکید کردند مکران در نهایت از اقبال یک چهارم (۲۵ درصد) شهروندان این کشور برخوردار است. بر این اساس اکثر آرای ریخته شده به سید رئیس‌جمهور پر ادعای فرانسه، از جنس «آرای سلبی» بوده و نمی‌توانست تبدیل به پشتوانه‌ای محکم برای استمرار حضور وی در راس معادلات سیاسی - اجرایی پاریس شود. اکنون پیش‌بینی‌ها درباره سقوط دولت مکران تحقق یافته است. شکست سنگین اخیر حزب مکران در انتخابات پارلمان اروپا، از یک سو جبهه ملی فرانسه و راست‌گرایان افراطی را در مسیر تسخیر کاخ الیزه جدی‌تر کرده و از سوی دیگر، رهبری پاریس بر اتحادیه اروپایی را نیز به چالشی سخت کشیده است. مکران در ماه‌های منتهی به برگزاری انتخابات پارلمان اروپا، تلاش کرد سیگنال‌هایی را رال بر آمادگی کشورش برای عملیات نظامی علیه روسیه در جنگ اوکراین مخابره کند تا بلکه به این وسیله، از دولت متبوعش تصویری قدرتمند و غالب بسازد. ماجرا به این نقطه ختم نشد! مکران از آمادگی دولتش جهت تعمیم بازدارندگی هسته‌ای فرانسه به کل اتحادیه اروپایی هم خبر داده، به این معنا که فرانسه به پشتوانه بمب‌های اتمی متبوع‌های که در زرادخانه‌های خود انبار کرده، تبدیل به نماد یک قدرت فراملی در سطح نظام بین‌الملل شود. اما هیچ یک از این گفتار در مانی‌ها و مواضع خاص، منجر به نجات کاخ الیزه در انتخابات پارلمانی اخیر و جلوگیری از پیروزی قاطع جبهه ملی فرانسه نشد.

ادامه در صفحه ۶

از همان ابتدای معرفی کاندیداهای دوره چهاردهم ریاست‌جمهوری توسط شورای نگهبان و مشخص شدن ترکیب نامزدها، ایده اجماع و وحدت میان کاندیداهای جبهه انقلاب تقویت شد. در کنار ترکیب کاندیداها و واقعیت‌های میدانی مربوط به میزان اقبال عمومی به هر کاندیدا، تجربه دوره‌های پیشین انتخابات مانند دوره یازدهم ریاست‌جمهوری (۱۳۹۲) و دوره سیزدهم ریاست‌جمهوری (۱۴۰۰) ضرورت اجماع را ملموس‌تر و عینی‌تر کرده بود.

۱- **اقبال عمومی و نتیجه نظرسنجی‌ها:** یکی از گزاره‌های مهم در انتخاب کاندیدای نهایی، وضعیت رای وی است. قاعدتاً کاندیدای نهایی باید در

نظرسنجی‌ها اقبال عمومی بیشتری نسبت به سایر کاندیداهای جبهه انقلاب داشته باشد. به عبارت ساده‌تر، یکی از پیش‌شرط‌های انتخاب کاندیدای نهایی باید این باشد که این کاندیدا از سایر کاندیداهای جبهه انقلاب، رای بیشتری داشته باشد. ملاک تشخیص این موضوع، باید نظرسنجی‌ها و ضرایب علمی مربوط به پایداری و امکان جذب کاندیدا باشد.

۲- **قابلیت جذب رای سایر کاندیداهای:** یکی از مهم‌ترین نکاتی که در انتخاب کاندیدای نهایی باید لحاظ شود، اطمینان از اضافه شدن سبب سایر کاندیداهای جبهه انقلاب به سبب وی است. یعنی در واقع کاندیدایی باید به عنوان کاندیدای نهایی انتخاب شود که پس از کنارگیری سایر کاندیداهای جبهه انقلاب، سبب رای آنها به سبب رای کاندیدای نهایی اضافه شود. با توجه به واقعیت‌های میدانی و نیز تجاربی که بویژه از انتخابات ۹۲ به دست آورده‌ایم، کاندیدای نهایی باید سبب رای متنوعی از طیف‌های مختلف جامعه داشته باشد. یعنی به غیر از یک بدنه رای گفتمانی، باید از سایر طیف‌ها، مانند توده‌های غیرایدئولوژیک، طبقه

متوسط و اصناف و مدیران و متخصصان نیز در سبب رای خود داشته باشد. در این حالت، پس از اجماع، سبب رای کاندیدای منتخب حفظ و سبب رای سایر کاندیداهای به آرای وی اضافه می‌شود. بر همین اساس یکی از مهم‌ترین نکاتی که در انتخاب کاندیدای نهایی باید به آن دقت شود این است که سبب آرای هر ۴ کاندیدای جبهه انقلاب ریزش نداشته باشد. یک خطا و اشتباه مهلک در انتخاب کاندیدای نهایی این است که کاندیدایی انتخاب شود که بخشی از سبب رای دیگر کاندیداهای به سمت آرای کاندیدای رقیب سرازیر کند. بنابراین، یک شاخص مهم در انتخاب کاندیدای نهایی، باید حفظ پایداری سبب آرای هر ۴ کاندیدای جبهه انقلاب باشد.

۳- **حفظ معادله رقابت و جلوگیری از ایجاد فضای هیجانی و دوقطبی:** یکی از آسیب‌های پرهزینه در موعدهای انتخاباتی، هیجانی‌سازی فضای رقابت، دوقطبی‌سازی و مخدوش شدن انتخاب عقلانی است. انتخابات دوره یازدهم ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۹۲ یک تجربه واضح و درس‌آموز برای جبهه انقلاب از

تاکتیک‌های رقیب در دوقطبی‌سازی و تغییر معادله رقابت بود. یکی از عبرت‌های آن انتخابات، انگارم‌سازی و تصویرسازی جبهه رقیب از کاندیداهای جبهه انقلاب بود. درباره فرآیند دوقطبی‌سازی آن انتخابات ۲ نکته را باید در نظر داشت: اول اینکه آنان توانستند با تثبیت برخی پیش‌فرض‌های غیرواقعی، دستگاه محاسباتی بخشی از جامعه را به خصوص درباره یکی از کاندیداهای جبهه انقلاب، منحرف کنند. متأسفانه آن پیش‌فرض‌ها یک ادراک عمومی را نزد بخش مهمی از جامعه ایجاد کرد و تا سلف‌انگیزتر اینکه این ادراک عمومی همچنان دوام و قوام داشته و به عنوان بخشی از مبانی سنجش جامعه رسوب کرده است.

نکته دوم نیز این است که دوقطبی‌سازی در انتخابات ۹۲ تصویری از فرآیند استنتاج و تصمیم‌گیری بخش مهمی از رای‌دهندگان را پیش روی ما گذاشت، یعنی به ما نشان داد بخش مهمی از جامعه که از قضا، جبهه انقلاب توان و ظرفیت تأثیرگذاری روی ادراک آنها را ندارد، چگونه فکر می‌کنند و آلام‌های هشدار آنها نسبت به چه دیدگاه‌ها و افرادی به صدا در می‌آید

و در نهایت مکتبیسیم «رای اعتراضی» فعال می‌شود. برآیند این ۲ نکته این است که در انتخابات ۱۳۹۲ جریان رقیب بنای یک دوقطبی را در جامعه گذاشت و متأسفانه این بنا همچنان وجود دارد. واقعیت این است که با وجود سرخوردگی رای‌دهندگان به روحانی از عملکرد وی و نیز اثرات حوادث پاییز ۱۴۰۱ اما ظرفیت رای اعتراضی یا رای سلبی می‌تواند دوباره فعال شود. در این باره نباید غفلت و ساده‌انگاری کرد. به همین دلیل، یکی از ملاحظات مهم برای انتخاب کاندیدای نهایی جبهه انقلاب این است که زمینه‌های فعال شدن گسسل‌های رای اعتراضی و ترغیب قشر خاکستری برای رای دادن به کاندیدای رقیب را فراهم نکنند. بویژه که حتماً نباید به محضورت زمانی کاندیدای رقیب دل خوش کرد. انتخابات ۹۲ نشان داد چگونه قابلیت رای اعتراضی در یک زمان کوتاه ممکن شد و از همه مهم‌تر باید این نکته ظریف را در نظر داشته باشیم که ساختار و سازوکار روانی رای اعتراضی در سال ۱۳۹۲ ایجاد شد و ادراک‌سازی مجدد درباره آن به زمان زیادی نیاز ندارد.

تجربه‌های تاریخی درباره اجماع

موفق شده بود طی نزدیک به یک دهه مجلس، شورای شهر، ریاست‌جمهوری و... را تحت اختیار خود بگیرد، چرا برزگان آن حاضر نمی‌شوند به نفع یک هدف بالاتر کنار بروند؟ این حتی ممکن است تصور باری قدرت و قدرت‌طلبی را به ذهن برخی مرددان و حتی بعضی طرفداران آن گفتمان متبادر کند. این مسأله ضربه بزرگی بود که سال ۱۳۹۲ به نیروهای انقلاب وارد شد و بعد از آن ما شاهد خسارات دولت آقای روحانی بودیم. نکته بسیار مهم دیگر که تشمت مورد بحث برای گفتمان انقلاب به ارمان آورد این بود که گروه‌های مرجع رای‌ساز، مراجع و افراد شاخص مجبور شدند در آن دوره سکوت کرده و از هیچ نامزدی حمایت نکنند، چرا که نامزدهایی که هر یک دارای جاهتی بودند و از یک وجهی متناسب به گفتمان انقلاب بودند، اکنون دیگر برای یک گفتمان رای جمع نمی‌کردند بلکه فعالیت آنها تقسیم می‌توانست پیامدهایی برای آن شخصیت‌های مرجع

رفت، بلکه این اجماع در واقع تبدیل شد به مجموع رای آقای عارف و آقای روحانی به علاوه مویی که از این اجماع در جامعه ایجاد شد. یعنی آن مویی که اجماع مد نظر ایجاد کرد علاوه بر مجموع رای آقای روحانی و آقای عارف، یک حجمی از رای را از مرددان و کسانی که در شک به سر می‌بردند، به سمت نمایندبند اعتدال یعنی آقای روحانی سوق داد. لذا آقای روحانی در دوره اول به پاس‌تور راه یافت. این اجماع مد نظر چرا در نهایت این موج را ساخت؟ نخست اینکه جریانی که اجماع کرد به جامعه این پیام را ارسال کرد که برای رسیدن به هدف خود حاضریم حتی از خودگذشتگی کرده و سپس آنکه نظم و انضباط تشکیلاتی و سیاسی داریم، لذا هدفمند ظاهر می‌شویم. از طرف دیگر جریانی که حاضر به اجماع نشد این پیام را به جامعه ارسال کرد که نوعی از رقابت در میان ما مشکل گرفته است. در واقع پرسش این بود: گفتمانی که

تداوم خدمت با وحدت

رهب معظم انقلاب در آن مسیر خدمت ادامه یابد. غالباً نظرسنجی‌ها به این شکل است که خیلی از مردم مایلند مسیر شهید رئیسی ادامه یابد. این نکته مهمی است که ما باید به سمت تداوم خدمات دولت آقای رئیسی پیش برویم و در این بین باید گفتمان انقلاب اسلامی محور باشد. یعنی جریان انقلاب اسلامی و نمایندگان آن در این انتخابات باید محور این اتفاق باشند و به نوعی با هم‌افزایی با سایر نیروهای سیاسی و اجتماعی جامعه به سمت تداوم خدمت به مردم پیش بروند. در این انتخابات فضا آماده است و مردم مایلند به گفتمان انقلاب و نمایندگانش رای دهند و الان این زمینه مساعدی است. اما نباید بنگاریم این گرما و هیجان و شوری که در جامعه ما ایجاد شده به سردی برود. مردم پذیرفته‌اند انقلاب اسلامی و نماینده جریان انقلاب اسلامی به خدمت نزدیک‌تر است و این را باور کرده‌اند. لذا راهبر ما باید ادامه آن مسیر خدمت باشد. اگر مسا نتوانیم در این انتخابات به هر دلیلی توفیق پیدا کنیم، این فرصت تاریخی برای ما از بین می‌رود و شاید تا سال‌ها این فرصت در اختیار جریان انقلاب قرار نگیرد تا بتوانند آن سرمایه اجتماعی ارزشمند را تثبیت

کند. چالشی که امروز در انتخابات داریم و شاید نگرانی‌های دلسوزان انقلاب را افزایش می‌دهد، دودستگی در جریان انقلاب است. متأسفانه شاهدیم نیروهای گفتمان انقلاب اسلامی و کسانی که دغدغه انقلاب و مردم را دارند در ۲ جبهه قرار گرفته‌اند و بعضاً همدیگر را خنثی و در تعارض با هم عمل می‌کنند. ما عملاً رقیب را فراموش کرده‌ایم و رقابت را به درون جبهه انقلاب کشانده‌ایم و این موضوع آسیب‌زایی است. اگر چه ما باید تلاش کنیم به اصلاح رای بدهیم و اصلح را انتخاب کنیم اما رقابت به معنای سیاسی کلمه و رقابت به معنای اخلاقی‌های انتخاباتی به واقع باید از این جبهه دور باشد. متأسفانه این روزها شاهد هستیم که رقابت‌های سیاسی پیش‌افتاده و سطح پایین، در میان جریان حزب‌الله افزایش یافته و متأسفانه این امر می‌تواند فرصتی را برای جریان رقیب و کاندیداهایش ایجاد کند که از این دوگانگی و دودستگی استفاده کند. به نظر می‌رسد ما باید مراقب باشیم اختلافات درون جبهه انقلاب، کمک به جریان رقیب نباشد. نباید اجازه داد دوباره کشور به عقب برگردد و مجدداً رجوعی را در حکمرانی شاهد باشیم. نمایندگان جریان انقلاب

شده بود. این گروه‌ها به جای آنکه رای مرددان را جمع کنند شروع به نزاع درون گفتمانی ما کردند. این اتفاق دیگر کردند، لذا آن وقتی که باید گذاشته می‌شد تا در شهرها و روستاها رای جمع شود، برای رقابت درون گفتمانی هدر رفت. پیامد این قضیه چنین شد که رای آقای روحانی در روستاها بیشتر از شهرها و حتی بیشتر از تهران بود. به لحاظ درصد و تناسب، رای آقای روحانی در پایگاهی که به صورت سنتی به جریان انقلاب رای می‌داد بسیار زیاد شد. مسأله بعدی رای‌های استراتژیک است. این مضمون به چه معناست؟ یعنی پیمایش‌های بعدی نشان می‌دهد که ۲۵ درصد کسانی که در آن برهه رای داده‌اند به گزینه انتخابات شرکت کرده بودند، به دلیل یک ملاحظه خاصی به گزینه اول خود رای ندادند.

ادامه در صفحه ۶

همه شایسته و توانمند هستند و مزیت‌هایی دارند و شاید خیلی تفاوتی وجود نداشته باشد که کدامیک رئیس‌جمهور آینده می‌شود. حتماً در میان جریان انقلاب هم‌افزایی صورت خواهد گرفت و یک نفر به مثابه نخ تسبیح خواهد شد و بقیه در کنار او به امتداد راه شهید رئیسی و امتداد خدمت کمک می‌کنند. این شدنی است؛ فقط لازم است راهبرد وحدت را انتخاب کنیم، لذا به نظر می‌رسد خیلی تفاوتی ندارد که چه کسی رئیس‌جمهور شود و مهم این است که از جریان انقلاب و نامزدهای متعلق به این گفتمان رئیس‌جمهور شوند تا بتوانیم این فضای خدمت را ادامه دهیم. نامزدهای جریان انقلاب باید در نظر داشته باشند که رقابت آنها و درگیر شدن با هم، سیگنال اختلاف در درون جبهه انقلاب را منعکس می‌کند و جریان مقابل هم از این بستر به‌وجودآمده حداکثر استفاده را می‌کند و فشار را به نفع خودش تغییر می‌دهد. تا جایی که می‌توانیم باید یکرنگی و یکدستی را در درون جبهه انقلاب ایجاد کنیم و یک حلقه وصل برای نیروهای دلسوز و کسانی که دل در گرو انقلاب اسلامی دارند برای امتداد خدمت و مسیر آیت‌الله رئیسی به وجود آوریم.

نگاه

ابوالفضل اقبالی: به نظر می‌رسد به برکت خون شهدای خدمت یک فضای اجتماعی در جامعه ما ایجاد شده که امکانی را برای بازسازی سرمایه اجتماعی و بازنگری در روابط و مناسبات حاکمیت و مردم پیش روی ما قرار می‌دهد. خون پیر برکت آیت‌الله رئیسی و شهدای خدمت و کیفیت شهادت ایشان یک فضای اجتماعی ویژه را خلق کرد. آقای رئیسی تراز جدیدی را در حوزه انقلابی‌گری و در عین حال مردم‌داری و خدمت به مردم ثبت کرد و در ذهن مردم جایگاه رئیس‌جمهور انقلابی را چندین مرتبه ارتقا داد. الان نگاه مردم و فضای اجتماعی‌ای که به وجود آمده این است که انقلاب اسلامی با خدمت به مردم عجین است. هر کسی که شعار انقلابی می‌دهد در واقع خدمتگزار مردم است، چرا که مردم این امر را به طور عینی در شخصیت شهید رئیسی دیدند. لذا این مسیری است که باید ادامه یابد و این فرصت ایجادشده به برکت خون شهید رئیسی می‌تواند آن سرمایه اجتماعی را با محوریت خدمتگزاران به مردم احیا و بازسازی کند. این نکته بسیار مهمی است. اکنون انتخاباتی پیش رو داریم که باید به تعبیر